

خلع ید از مردم ایران

ریشه مشترک

بحران‌های اقتصادی اجتماعی

در دیکتاتوری آخوندها

(خلع ید سیاسی و خلع ید اقتصادی)

کریم اسدی

خرداد ۱۴۰۲

فهرست مطالب:

مقدمه

علت این همه بحران چیست؟

ریشه مشترک بحران‌ها

یکم: خلع ید سیاسی مردم ایران توسط خمینی

دوم: خلع ید اقتصادی مردم ایران توسط خمینی و جانشینانش

نگاهی به یک گواهی رسانه‌ای مهم

قانون اساسی، دستورالعمل‌گذار تدریجی از جمهوری نیم‌بند به خلافت آخوندی

خلع ید اقتصادی در چند مرحله صورت گرفت

- تغییر ساختار اقتصادی و ساختار دولت

- خصوصی سازی اموال عمومی

- خصوصی سازی زمین‌های کشاورزی

- خصوصی سازی منابع آبی کشور

- انحصار مالکیت زمین‌های شهری

تاملی در سیاست خصوصی سازی اقتصاد ایران به دست دیکتاتوری آخوندها و داستان اصل ۴۴

قانون اساسی و اصل ۱۱۰

خلع ید اقتصادی و اصل ۴۴ قانون اساسی آخوندها

راه رشد اقتصادی آخوندها چیست؟

راه رشد اقتصادی مطلوب برای ارباب سیاست مماشات چیست؟

اقتصاد دولتی یا اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد؟

دولتی کردن اقتصاد در زمان خاتمی شیاد

اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد و کوچک کردن دولت در دوره احمدی‌نژاد

خصوصی سازی از زبان رئیس پروژه خصوصی سازی!

آنچه که مسعود رجوی در همان سال ۵۷ گفت

**بحران‌های اقتصادی اجتماعی
در دیکتاتوری آخوندها
و ریشه مشترک آنها**

روز ۲۴ خرداد ۱۴۰۲ روزنامه هم‌میهن رژیم از قول سعید لیلاز

(یک اقتصاددان حکومتی) نوشت:

اگر ما، تقدینگی امروز ایران را از وسط نصف کنیم،

نصف آن دوره، تا پایان دولت روحانی ایجاد شده

و نصف دیگر آن در ۲۳ ماهه دولت آقای رئیسی.

یعنی یک غارت کامل و تمام‌عیار از ملت ایران در پنج سال گذشته

به‌ویژه در ۲۳ ماه اخیر اتفاق افتاده است.

مقدمه

دیکتاتوری آخوندی حاکم بر میهن‌مان، دایره‌المعارف بحران‌های اجتماعی اقتصادی است: بحران آب، بحران نان، بحران گرانی مواد غذایی پایه، بحران بیکاری، بحران محیط‌زیست، بحران نبود امنیت اجتماعی، بحران سیاسی، بحران تورم، بحران ارزی، بحران مسکن، بحران کشاورزی، بحران تعطیلی صنایع، بحران آموزش و پرورش و اشرافی شدن مدارس، بحران بیمه و بهداشت و درمان، بحران شغلی و دستمزد کارگران، بحران نپرداختن حقوق بازنشستگان، بحران کمبود تخت بیمارستانی، بحران کمبود پرستار، و ...

علت این همه بحران در رژیمی که بیش از ۴۰ سال است تمامی اهرم‌های قدرت و ثروت را در

دست دارد، چیست؟

آیا مشکل در مدیریت اقتصادی‌ای است که رژیم به کار می‌بندد؟

آیا مشکل در راه رشدی است که رژیم در اقتصاد در پیش گرفته است؟

آیا به قول خودشان اشکال در نتولیرالیسم؟! است؟

آیا اشکال در بزرگی دولت است؟!

اشکال در کوچکی بخش خصوصی است؟!

آیا اصلاً بخش خصوصی‌ای به معنی واقعی کلمه در ایران آخوندزده وجود دارد که اشکال به آن برگردد؟

آیا اشکال در باندهای رقیبی است که تمامیت رژیم را تشکیل داده‌اند؟
آیا مشکل در مقاومت مردم و مجاهدین خلق است که نمی‌گذارند رژیم شکل بگیرد؟
آیا مشکل در استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل است؟!
یا حتی به قول برخی آخوندهای حاکم (که کمترین اثری از شرم و حیای سیاسی در آنها دیده نمی‌شود) اشکال در مردم (به قول آن‌ها ناسپاس!) ایران است؟؟؟؟
ریشه این همه بحران چیست و در کجاست؟

ریشه مشترک بحران‌ها

همه این بحران‌ها یک ریشه مشترک دارند:

خلع ید تمام‌عیار از مردم ایران توسط دیکتاتوری آخوندها

یکم: خلع ید سیاسی

دوم: خلع ید اقتصادی

خمینی و سپس باند رفسنجانی - خامنه‌ای از همان ابتدای روی کار آمدن، اقدام به انحصاری کردن قدرت سیاسی و کوتاه کردن دست مردم و احزاب سیاسی مخالف از قدرت سیاسی کردند. احزاب را یکی یکی تعطیل کردند، مخالفان سرشناس را تحت تعقیب قرار دادند، و احزاب قدرتمندی مانند مجاهدین را که نمی‌توانستند به سرعت نابود کنند، در یک روند دو ساله زیر ضرب گرفتند و همزمان با تشکیل یک دستگاه سرکوبگر جرار و بی‌رحم نظامی - پلیسی (که در سپاه و کمیته‌ها و ساواک بازسازی شده، متبلور شدند) خود را برای سرکوب بزرگ‌ترین دشمن خود یعنی مجاهدین هم آماده کردند. در حالی که پیش از آن، و در یک نمایش انتخاباتی، یک قانون اساسی به شدت ارتجاعی در یک مجلس تماما گزینش شده از مهرهای رژیم به اضافه چند چهره مخالف که اثری در سرنوشت برون‌داد آن مجلس نداشتند، تمامی قدرت سیاسی را از مردمی که شاه را ساقط کرده و قدرت را به خمینی داده بودند، خلع ید کرده و قدرت سیاسی مطلق را به ولی فقیه دادند.

روند رخدادها نشان می‌دهد که به هر حال آخوندها تا قبل از سرکوب بزرگ که در روز ۳۰ خرداد به شلیک جنایتکارانه رژیم به سوی مردم و مجاهدین بالغ شد، مساله خلع ید سیاسی از مردم را در لباس قانون اساسی خودشان، تمام کردند، و از آن پس به دنبال اجرایی کردن خلع ید اقتصادی از مردم ایران رفتند. داستان نفرت‌انگیز خلع ید سیاسی و سپس خلع ید اقتصادی از مردم ایران موضوع این گزارش است.

یکم:

خلع ید سیاسی مردم ایران توسط خمینی

خلع ید سیاسی با اصل ۱۱۰ قانون اساسی و اصل شوم ولایت فقیه در قانون اساسی ضد مردمی رژیم، شکل قانونی به خود گرفت.

طبق قانون اساسی نحس آخوندها، تمامی قدرت سیاسی در ایران، متعلق به ولی فقیه است، یعنی کسی که به گفته خمینی بر جان و مال و ناموس مردم ولایت دارد و هر وقت که خواست می‌تواند هرکسی را که خواست، مهدور الدم اعلام کند، زنش را یک‌سویه و بدون رضایت و اطلاع طرفین طلاق بدهد، اموالش را مصادره کرده و خودش را هم اعدام کند! این، جوهره اصل بسیار مترقی؟! ولایت مطلقه فقیه است! چیزی عینا مانند سلطنت مطلقه سلاطین و شاهان که از هزاران سال پیش تا دوره پهلوی اول (رضاخان قزاق) اجرا می‌شده! (مانند آنچه که رضاخان با تیمور تاش و دیگر نزدیکانش کرد).

دوم:

خلع ید اقتصادی مردم ایران توسط خمینی و جانشینانش

خلع ید اقتصادی از مردم ایران توسط آخوندها مسیر پیچیده‌ای را طی کرد که مرور آن ضروری است. با درهم شکستن ماشین و سیاست جنگی خمینی به دست مجاهدین، خمینی و جانشینانش وارد مسیر خلع ید کامل اقتصادی از مردم ایران شدند؛

به این ترتیب که از اواخر دهه ۶۰ و اوایل سال‌های دهه ۷۰ تا کنون یک خط ضد مردمی و استعمارپسند در ساختار اقتصادی کشور در حال پیاده شدن است، خطی که از همان دهه ۷۰ با قیام‌های شدید مردمی تا کنون روبرو شده است.

این تغییر ساختار گرچه از سال ۱۳۶۸ و اوایل دهه ۷۰ آغاز شد اما باید در نظر داشت که این «رویه» در تمامی

دوران ریاست جمهوری رفسنجانی و خاتمی با درجات متفاوتی از شدت و ضعف جریان داشته و در دوران احمدی‌نژاد به اوج رسید تا در آخرین سال‌های ریاست جمهوری روحانی مراحل نهایی خود را طی کرد و اکنون در دوره رئیسی جلاد، ما شاهد فاز پایانی آن تغییرات ساختاری هستیم.

آن تغییر ساختار اقتصادی سه خاصیت برای خامنه‌ای و شرکایش داشته و دارد:

یکم) تصاحب تمامی ثروت‌ها و منابع ثروت ملی.

سوم) کوتاه کردن دست باند رقیب از ثروت‌های ملی

سوم) بسترسازی اقتصادی مطلوب برای حامیان سیاست استعماری مامشات.

محورهای یکم و سوم تقریباً روشن است اما در مورد محور دوم باید توضیح داد که سرکردگان اصلی نظام در آن مقطع یعنی رفسنجانی، خامنه‌ای تلاش کردند با ایجاد نهادهای موازی، باند خاتمی را بیکاره و هیچکاره کنند!

نگاهی به یک گواهی رسانه‌ای مهم

یک گواهی رسانه‌ای در این مورد هست که علوی تبار بعدها در سایت تابناک (فروردین ۵۹) نوشت:

علوی تبار: «پس از جنگ، قاعده‌ای در ذهن طراحان سیستم بود، به این معنی که صورت جمهوریت حفظ شود، اما مخاطرات ناشی از انتخاب آزاد مردم باید به حداقل برسد؛ زیرا اگر قرار بر انتخاب آزاد مردم باشد، همیشه مطلوب ما انتخاب نخواهد شد. به همین دلیل هم هست که کنار همه بخش‌های انتخابی، بخش‌های غیرانتخابی هم طراحی شده اند تا تصمیمات بخش‌های انتخابی را کنترل کنند. این امر باعث شد تناسب

اختیار و مسئولیت از میان برود. دست کم ۳۰ تا ۵۰ درصد اقتصاد ایران زیرزمینی است، هیچ جا ثبت نمی‌شود و نمی‌توان بر آن نظارت کرد. این اقتصاد لزوماً سیاه نیست، اما نکته اینجاست هر که به این بخش از اقتصاد تسلط داشته باشد، می‌تواند هر سیاست اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد»

The screenshot shows the BNAK news website interface. At the top, there is a navigation bar with the BNAK logo and the text 'ONAL NEWS SITE'. Below this, there is a search bar and a menu with options like 'فارسی', 'العربیة', and 'خبرها را در تلگرام تماشا کنید'. The main content area features a large headline: 'روایتی از صدور فرمان قتل شریعتی توسط آیت‌الله مصباح! افشای جزئیاتی از نامه‌نگاری اوپاما به رهبرانقلاب/ چقدر از حقوق‌های نجومی به بیت‌المال برگشت؟! آیت‌الله یزدی: برخی نمایندگان از وزراء رسماً باج می‌گیرند'. Below the headline, there is a quote: 'اجمعی‌نژاد به ترامپ نامه نوشتند، ایران در منطقه بیشترین تراشه‌ها و برخورد‌های خیابانی را دارد. توضیحات یک وزیر درباره دخالت در پرونده داداشی، پیغام آمریکایی‌ها پس از سقوط شدن بهباد و پاسخ ایران، تراسی دیگر شاتسی برای بازکردن درب دیپلماسی با ایران ندارد. ۳۰ تا ۵۰ درصد اقتصاد ایران زیرزمینی است. افشای پرداخت حقوق ماهانه ۱۸۰ میلیون تومانی در بانک سرمایه، آیا وزیر اقتصاد اجمعی‌نژاد باعث ردصلاحیت هاشمی در سال ۹۲ شد؟...'. A red box highlights this quote. At the bottom of the page, there are several promotional banners, including one for 'دریافت کد بورسی رایگان' and another for 'کسب درآمد دلاری بدون نیاز به صرفه‌وقت'. The footer contains the text 'قانون اساسی، دستورالعمل گذار تدریجی از جمهوری نیم‌بند به خلافت آخوندی'.

قانون اساسی، دستورالعمل گذار تدریجی از جمهوری نیم‌بند به خلافت آخوندی

با چنین مقدماتی بود که سرکردگان اصلی رژیم (رفسنجانی و خامنه‌ای) با وجود تمامی اختلاف‌هایی که با یک‌دیگر داشتند اما در این موضوع اتفاق نظر داشتند که باید منابع ثروت را از حیثه «دولت» که احتمال دارد در هر پیچ و خم سیاسی‌ای به دست باند رقیب بیفتد، خارج کرد. هم‌چنان که تلاش کردند با آویختن به نهادهایی مانند مجمع تشخیص مصلحت و حتی نهاد مشورتی خبرگان که خامنه‌ای برای پیچیدن جلوی روحانی تشکیل داد، منابع اصلی قدرت سیاسی (یعنی اساساً دولت) را هم از هر گزند احتمالی رقبا دور نگهدارد!

این، جوهره تمامی کارهایی است که رژیم در این ۴ دهه کرده است. خلع ید سیاسی و اقتصادی از مردم قطع ید باند رقیب از منابع قدرت و ثروت و ایجاد یک انقباض کامل سیاسی و اقتصادی با تکیه به یک نیروی سرکوبگر بی‌رحم و به شدت مسلح همین و بس!

ناگفته نماند که بانی این روند ضد‌مردمی هم شخص خمینی بود. خمینی که پس از مصادره رهبری انقلاب ضدسلطنتی دریافت فرصت مغتنم و نادری برای تشکیل خلافت آخوندی به‌دست آورده، تلاش کرد به شکلی که واکنش شورشی مردم را بر نیانگیزد، با یک قانون اساسی به شدت متناقض، راه عبور از جمهوری اسلامی نیم‌بندش را به خلافت آخوندی هموار کند. تشکیل نهادهایی مانند شورای نگهبان و مجمع تشخیص و تشکیل نهادهای اقتصادی رنگارنگ توسط خمینی، همه در این دستگاه قابل تعریف هستند. و در این میان قانون اساسی رژیم، دستورالعمل‌گذار تدریجی از آن جمهوری نیم‌بند به خلافت تمام عیار آخوندی است. مسیری که باید از روی جنازه تنها گروه سیاسی مقاومی عبور می‌کرد که نه تسلیم می‌شد و نه شریک!

کشتار ددمن‌شانه مجاهدین و کین‌توزی حیوانی با شخص مسعود رجوی هم از همین‌جا ناشی می‌شد و می‌شود. تنها گروهی که در تمامی این ۴ دهه در نبردی نابرابر ایستاد و کشته داد اما از میدان به در نرفت! گروهی که هم‌زمان هم از سوی ارتجاع آخوندی حاکم بر میهنمان و هم از سوی بلندگوهای استعماری شبانه روز مورد تاخت و تاز است.

خلع ید اقتصادی در چند مرحله انجام شد

الف: تغییر ساختار اقتصادی و ساختار دولت رژیم که از آخرین سال‌های دهه ۶۰ آغاز شده بود در سال‌های دهه ۷۰ پی گرفته شد و سپس به اسم خصوصی سازی، در سراسر دوران ریاست جمهوری همه باندهای رژیم بدون توقف ادامه یافت، این تغییر ساختار در دهه ۹۰ با بازتعرف اصل ۴۴ قانون اساسی رژیم، با شدتی دوباره از سر گرفته شد و در دوره رئیسی جلاد به اسم «مولد سازی» وارد آخرین مرحله خود شد. گرچه که اصل ۴۴ قانون اساسی رژیم اجازه نمی‌داد مالکیت‌های دولتی (که شامل ثروت‌های ملی بود) به هیچ فرد یا نهاد دیگری واگذار شود اما خامنه‌ای با استفاده از قدرت انحصاری ولی‌فقیه، حتی بر منابع آبی و کانی و انرژی کشور که در فقه

آخوندی حکم «انفال» (معادل اموال عمومی) را دارند هم اعمال قدرت کرده و دستور فروش آن‌ها را به بنیادهای خودش و سپاه صادر کرد!

ب: خصوصی سازی که ابتدا با خصوصی کردن صنایع سنگین و زیرساختی و صنایع نفت و پتروشیمی و خدمات ملی و زیربنایی مثل راه‌آهن و هواپیمایی و کشتی‌رانی و ناوگان جاده‌ای و ... آغاز شده بود، در گام بعد به خصوصی سازی معادن و جنگل‌ها و مراتع هم گسترش یافت.

ج: مرحله بعدی خصوصی سازی شامل ۱۸ میلیون هکتار زمین‌های کشاورزی دایر ایران شد که از سال ۱۴۰۱ آغاز شد و در سال ۱۴۰۲ هم ادامه یافت، در این مرحله زمین‌های کشاورزی دستکم در ۱۰ استان محل مناقشه کشاورزان با رژیم قرار گرفت، زمین‌هایی که که کشاورزان دهه‌ها و بسا سده‌هاست که روی آن‌ها کار می‌کنند اما رژیم اکنون همین زمین‌ها را می‌خواهد به اسم اراضی ملی از دست کشاورزان در آورده و به با سند زدن به اسم خود و بنیادها و نهادهایش آن‌ها را هم بالا بکشد! (تلویزیون رژیم ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۲)

د: مرحله بعدی «خصوصی سازی» یا «مولد سازی» صدور سند مالکیت برای منابع آبی کشور یعنی رودها و تالاب‌هاست که این‌هم، از سال ۱۴۰۲ آغاز شد و یکی از شگفتی‌آورترین غارتگری‌های حکومتی به اسم قانون است که آخوندها به آن اقدام کرده‌اند، چپاول منابع آبی که محل درگیری جدید مردم و کشاورزان بارزیم است! آخوندها طبق شرع منحوس خودشان مالکیت تمامی آن چیزهایی را که «اموال عمومی» یا «انفال» می‌نامند و اساسا مالکیت پذیر نیست، (مثل آب و آتش و جنگل و ...) در ید اختیارات ولی فقیه تعریف کرده و به این ترتیب از مردم صلب مالکیت و در واقع «خلع ید اقتصادی» کرده‌اند. (روزنامه شرق ۸ خرداد ۱۴۰۲ خطر بیخ گوش

<https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-881718> / رودخانه‌ها

ه: گام دیگر خصوصی سازی هم انحصار مالکیت زمین‌های شهری و خانه‌های خالی است که تا سال ۱۴۰۲ هم‌چنان در دست اقدام و اجراست، آن‌هم در شرایطی که دو و نیم میلیون خانه خالی متعلق به بانک‌هاست، بانک‌هایی که متعلق به همین دولت و نهادهایش است! و مشمول این خصوصی سازی نمی‌شوند و تنها آن مواردی خصوصی سازی می‌شوند که متعلق به مردم و خرده‌مالکان شهری است.

تاملی در سیاست خصوصی سازی اقتصاد ایران به دست دیکتاتوری آخوندها و داستان اصل ۴۴

قانون اساسی و اصل ۱۱۰

مستمسک به اصطلاح قانونی خامنه‌ای برای خصوصی سازی اقتصاد ایران، آویزان شدن به اصل ۴۴ قانون اساسی و اختیارات ولی فقیه بود. به همین علت ضروری است بدانیم اصل ۴۴ قانون اساسی چه می‌گوید؟ اصل ۴۴ که مبنای خصوصی سازی اقتصاد توسط آخوندهای حاکم قرار گرفته به این شرح است:

اصل ۴۴ قانون اساسی

«نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.»

بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است .

بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا برطبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود.

بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است .

مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانونی جمهوری اسلامی است .

تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند».

(منبع: متن رسمی، نهایی و کامل قانون اساسی جمهوری اسلامی).

خلع ید اقتصادی و اصل ۴۴ قانون اساسی آوندها

ضروری است همینجا یادآوری شود که خصوصی سازی بر مبنای این اصل نیست!

اولین نکته‌ای که با نگاهی حتی سرسری به این اصل می‌توان دریافت آن است که:

آنچه زیر اسم خصوصی سازی انجام شده، ربط چندانی به این اصل ندارد چرا که تمامی بنگاه‌هایی که مانند صنایع بزرگ و مادر و بازرگانی خارجی، معادن، پالایشگاه‌ها، سدها و شبکه‌های آبرسانی و رادیو تلویزیون و ارتباطات و هواپیمایی و کشتیرانی و راه و راه‌آهن و ... به بخش خصوصی واگذار شده‌اند، در شمار مایملک دولتی بوده و غیرقابل انتقال به اشخاص و مالکیت خصوصی می‌باشند!

مستمسک خامنه‌ای در این تغییرات غیرقانونی (بنا به قانون اساسی خودش) احتمالاً بند یک و بند هشت از اصل ۱۱۰ همان قانون اساسی آخوندی است که به ولی فقیه اختیار انجام هر غلطی را داده است.

بر اساس بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، «تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام» در حیطة «وظایف و اختیارات رهبر» قرار دارد! و طبق بند ۸ هم «حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام» میسر می‌شود.

خامنه‌ای با استفاده از همین اصل و دو بند آن موفق شد در تاریخ اول خرداد سال ۱۳۸۴ سیاست‌های کلی در مورد اصل ۴۴ قانون اساسی‌اش را مشخص کرده و به سران سه قوه و ... ابلاغ کند!

اما تعریف ساده‌تر را خمینی ملعون پیش از این کرده و گره این قبیل حرام‌خواری‌ها را گشوده بود؛ آنجا که به همین خامنه‌ای تاکید کرد که ولی فقیه فوق قانون قرار دارد و ملزم به رعایت هیچ قانونی نیست حتی قوانینی که خودش نوشته و حتی قراردادهایی که خودش امضا کرده! ولی فقیه بنا به مصلحت خودش می‌تواند حتی

قراردادهایی را که بسته، یک طرفه لغو کند و الی آخر. نگاهی به نامه خمینی به خامنه‌ای برای درک ابعاد بزرگ‌ترین کلاهبرداری تاریخ کافی است:

نامه به آقای خامنه‌ای (تعیین حدود اختیارات حکومت اسلامی)

بسمه تعالی

زمان: 18 دی 1366 | 15 جمادی الاول 1403

مکان: تهران، جماران

موضوع: حدود اختیارات حکومت اسلامی

مخاطب: خامنه‌ای، سید علی (رئیس جمهور و امام جمعه تهران)

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای خامنه‌ای، رئیس محترم جمهوری اسلامی - دامت افاضاته - یمن از اهدای سلام و تحیت، من میل نداشتم که در این موقع حساس به مناقشات پرداخته شود، و عقیده دارم که در این مواقع سکوت بهترین طریقه است. و البته نباید ماها گمان کنیم که هر چه می‌گوییم و می‌کنیم کسی را حق اشکال نیست. اشکال، بلکه نقطه، یک هدیه الهی است برای رشد انسانها. لکن صحیح ندانستم که جواب مرقوم شریف و تقاضایی که در آن شده بود را به سکوت برگردانم. لکن آنچه را که در نظر دارم به طور فشرده عرض می‌کنم.

از بیانات جنابعالی در نماز جمعه اینطور ظاهر می‌شود که شما حکومت را که به معنای ولایت مطلقه ای که از جانب خدا به نبی اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - واگذار شده و اهم احکام الهی است و بر جمیع احکام شرعی الهیه تقدم دارد، صحیح نمی‌دانید. و تعبیر به آنکه اینجانب گفته ام حکومت در چهارچوب احکام الهی دارای اختیار است بکلی برخلاف گفته های اینجانب بود. اگر اختیارات حکومت در چهارچوب احکام فرعی الهیه است، باید عرض حکومت الهیه و ولایت مطلقه مقوضه به نبی اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - یک پدیده بی معنا و محتوا باشد و اشاره می‌کنم به پیامدهای آن، که هیچ کس نمی‌تواند ملتزم به آنها باشد: مثلاً خیابان کشیها که مستلزم تصرف در منزلی است یا حریم آن است در چهارچوب احکام فرعی نیست، نظام وظیفه و اعزام الزامی به جبهه ها، و جلوگیری از ورود و خروج ارز، و جلوگیری از ورود یا خروج هر نحو کالا، و

صفحه 451

صحیفه امام - جلد 20

منع احتکار در غیر دو - سه مورد، و گمرکات و مالیات، و جلوگیری از گرانفروشی، قیمت گذاری، و جلوگیری از بخش مواد مخدره، و منع اعتیاد به هر نحو غیر از مشروبات الکلی، حمل اسلحه به هر نوع که باشد، و صدها امثال آن، که از اختیارات دولت است، بنابر تفسیر شما خارج است و صدها امثال اینها.

باید عرض کنم حکومت، که شعبه ای از ولایت مطلقه رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - است، یکی از احکام اولیه اسلام است؛ و مقدم بر تمام احکام فرعی، حتی نماز و روزه و حج است. حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند. حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند؛ و مسجدی که ضراب باشد، در صورتی که رقع بدون تخریب نشود، خراب کند. حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود یا مردم بسته است، در مواقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یکجانبه لغو کند. و می‌تواند هر امری را، چه عبادی و یا غیر عبادی است که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند. حکومت می‌تواند از حج، که از فرائض مهم الهی است، در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست موقتا جلوگیری کند.

آنچه گفته شده است تاکنون، و یا گفته می‌شود، ناشی از عدم شناخت ولایت مطلقه الهی است. آنچه گفته شده است که شایع است، مزاحمه و مضاربه و امثال آنها را با آن اختیارات از بین خواهد رفت، صریحاً عرض می‌کنم که فرضاً چنین باشد، این از اختیارات حکومت است. و بالاتر از آن هم مسائلی است که مزاحمت نمی‌کنم.

ان شاءالله تعالی خداوند امثال جنابعالی را که جز خدمت به اسلام نظری ندارند، در پناه خود حفظ فرماید.

18 دی 1366

روح الله الموسوی الخمینی

به این ترتیب به سادگی هرچه تمامتر خامنه‌ای بدون سر و صدا، مالکیت عمومی ابزار تولید و بنگاه‌های عظیمی که هرکدام متولی بخشی از اقتصاد کلان مملکتی بودند را به مالکان خصوصی و نهادهای حکومتی مشخصی واگذار کرد!

از آن تاریخ به بعد بود که نفت و گاز و راه‌آهن و هواپیمایی و کشتیرانی و ارتباطات عمومی کشور و رادیوتلوویزیون و تجارت بین‌المللی و نیرو و بانک‌ها و عمده نهادهای مالی به قیمت مفت به سپاه پاسداران و دیگر عناصر حکومتی واگذار شد!

و اکنون هم پس از تصرف تمامی زمین‌های شهری در حال صدور سند و قباله؟! برای رودخانه‌ها و تالاب‌ها و ... به اسم دولت هستند، دولتی که قانونا مکلف شده بخشی از دارایی‌های خودش را به هر قیمتی که خواست به بخش خصوصی بفروشد!!!

این، آن راه رشد اقتصادی‌ای است که آخوندها در حال اجرایی کردن آن هستند، راهی که از سال ۶۸ آغاز کردند و در سال ۱۴۰۲ تقریبا به قسمت‌های پایانی آن رسیدند.

راه رشدی که در معیارهای کنونی جهان، اسمش را خصوصی سازی گذاشته‌اند و بسیار هم مطلوب صندوق بین‌المللی پول و دیگر نهادهای اقتصادی و سیاسی جهان است (از غرب سیاسی عالم گرفته تا شرق سیاسی آن!).

«ابر تراست»های جهان که اکنون بسیاری از دولت‌ها را هم در کنترل خود دارند، بسیار مسرور خواهند شد که در باره نفت و گاز و طلا و آب و اورانیوم و جنگل‌ها و بود و نبود ایران با یک مشت پاسدار - تاجر تازه به دوران رسیده و یک عده آخوند عقب‌مانده طماع معامله کنند تا با یک دولت عرفی که فقط یک مویرگ ملی داشته باشد و نه حتی بیشتر!!!

سرمایه‌داری جهانی، چه چیزی بهتر از این می‌خواسته و می‌خواهد؟!

راه رشد اقتصادی آخوندها چیست؟

راه رشد اقتصادی مطلوب برای ارباب سیاست مماشات چیست؟

اکنون ضروری است فراتر از تمامی نکات گفته شده، به ماهیت حرکت چند ده ساله آخوندها دقت کنیم تا دریابیم آن‌ها به سوی چه قبله‌ای روی آورده‌اند؟

و اربابان سیاست مماشات به تغییرات ساختاری در اقتصاد و سیاست رژیم چگونه برخورد می‌کنند؟

اقتصاد دولتی یا اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد؟

در دوران موسوی، آخوندها با الگو برداری از «راه رشد غیرسرمایه‌داری» و «اقتصاد جنگی»، هم به شرق چشمک می‌زدند و هم به غرب!

اما از فردای روی کار آمدن رفسنجانی تا پایان دوره خاتمی، اقتصاد ایران یک اقتصاد متمرکز دولتی شد که بخش خصوصی در آن عمدتا به بازی گرفته نمی‌شد، اما در کمال شگفتی همان دولت، هم‌چنان بسیار محبوب و مطلوب ارباب جهانی مماشات بود.

شگفتی بزرگ‌تر اما از فردای رفتن خاتمی و روی کار آمدن احمدی‌نژاد آغاز شد؛

فروش اموال و بنگاه‌های دولتی به بخش به اصطلاح خصوصی یا همان بنیادهای متعلق به خامنه‌ای، سپاه پاسداران و آستان قدس آغاز شد و اقتصاد ایران یک‌سره به نفع خامنه‌ای و پاسدارانش مصادره شد و اقتصاد دولتی جای خود را به اقتصاد ظاهرا غیردولتی داد.

اما برای قدرت‌های استعماری، مطلقاً مشکلی نبود که آلترناتیو دیکتاتوری سرنگون شده سلطنتی شاه را در اقتصاد پرسود جنگی موسوی ببینند

یا در عباى خاتمی شاید و اقتصاد متمرکز دولتی‌اش،

یا در نظام بازار به اصطلاح آزاد متعلق به پاسداران و بنیادهای خامنه‌ای!

چرا که همه راه‌ها به «رم» اقتصاد ضد مردمی و راه رشد مسلط در جهان غرب ختم می‌شد.

و امروز که خاتمی با وجود آن عباى سفید غلط‌اندازش «سیاه بخت» شده، بازهم برای ارباب بی‌مروت دنیا مطلقاً

مشکلی وجود ندارد که به جای یک دولت آن‌چنانی، با بنیادها و نهادهای متعلق به سپاه و بیت خامنه‌ای طرف

حساب بشوند، آن‌هم بنیادها و نهادهای نظامی و شبه نظامی‌ای که تقریباً تمامی مایملک دولتی را تصرف

کرده‌اند! آن قدرت‌ها فقط یک طرف حساب عاقل! و خرپول! می‌خواهند که ارزان بفروشد و گران بخرد!

همین و بس! آن‌ها؟! به «شکل» کار ندارند بلکه حواسشان چهاردنگ متوجه «محتوا» است!

به قول شاعر، آن‌ها درون را بنگرند و حال را! نی برون را بنگرند و قال را!!!!

برای اثبات ادعا به مطلب زیر نگاه کنید، تا تفاوت دوران اقتصاد متمرکز دولتی خاتمی شاید را با پس از آن

(دولت کوچک شده و اقتصاد مبتنی بر بازار) آن‌هم با حساب عدد و رقم بهتر درک کنید!

دولتی کردن اقتصاد در زمان خاتمی شاید

«به گزارش «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی» در روز ۳ اسفند ۷۹ «شمار شرکت‌های دولتی، بانکها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت در سال گذشته بیش از دوبرابر سال ۱۳۶۸ بود. براساس این گزارش، تعداد شرکت‌های دولتی، بانکها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت طی سالهای اخیر روند فزاینده‌یی داشته است، به طوری که از ۸۶۲ شرکت در سال ۱۳۶۸ با ۹۰۱ درصد رشد به ۲۶۵ شرکت در سال ۱۳۷۸ رسید. در عین حال تعداد شرکت‌های یادشده در سال ۸۷ نسبت به سال ۷۷ از رشدی به میزان ۴۲ درصد برخوردار شد». بنا براین گزارش «در سال ۸۷ شمار شرکت‌های دولتی فعال در بخش نفت و گاز از ۵۲ به ۷۷ شرکت» رسیده و «افزایش تعداد شرکت‌های دولتی در سال ۸۷ به طور عمده ناشی از افزایش ۲۵ شرکت به شرکت‌های بخش نفت و گاز است. ۲۵ شرکت در بخش نفت و گاز با ایجاد شرکت‌های منطقه‌یی گاز و پالایشگاه‌های گاز و شرکت‌های تولید و استخراج نفت خام، به شرکت‌های دولتی بخش نفت و گاز افزوده شده‌اند. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۴ اسفند ۷۹)»

« مطابق آخرین بررسی منابع حکومتی، شرکتها و مؤسسات وابسته به دولت خاتمی و متعلق به نهادهای حکومتی هنوز ۸۶ درصد از تولید ملی ایران را در کنترل خود دارند. صادرات صددرد نفت، ۳۷ درصد صادرات کالاهای غیرنفتی و ۵۹ و نیم درصد واردات کالا به کشور توسط شرکت‌های وابسته به حکومت انجام می‌گیرد (ایران دیلی ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۰، به نقل از کمیسیون ترویج بازرگانی و صادرات وابسته به اطاق بازرگانی)»

اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد و کوچک کردن دولت در دوره احمدی‌نژاد

مرحله جدید خصوصی سازی پس از رفتن خاتمی و آمدن احمدی‌نژاد شدت گرفت.

در گزارش‌های دولتی و رسانه‌ای چه بسیار می‌توان دید گزارش‌هایی را که خبر از انتقال دارایی‌های ملی به بخش خصوصی (خصوصی) می‌دهند، مانند این که؛ «در سال ۱۳۸۴، خصوصی سازی در ایران وارد فاز جدیدی شد که از نظر ماهیت و دامنه اجرا با فعالیت‌های صورت گرفته پیش از آن تفاوت اساسی دارد و مقرر شده است که به منظور شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی، دولت همه فعالیت‌های اقتصادی خود را واگذار کند».

گزارش‌های حکومتی از واگذاری ۲۶۴ شرکت در فاصله سال‌های ۸۴ - ۸۸ نتیجه می‌گیرد که «اقتصاد ایران دوران گذار از اقتصاد دولتی به شبه دولتی را به جای گذار از دولتی به خصوصی سپری می‌کند». یادآوری: بخش شبه دولتی همین بنیادهای سپاه و امپراطوری‌های خامنه‌ای و آستان‌قدس هستند)

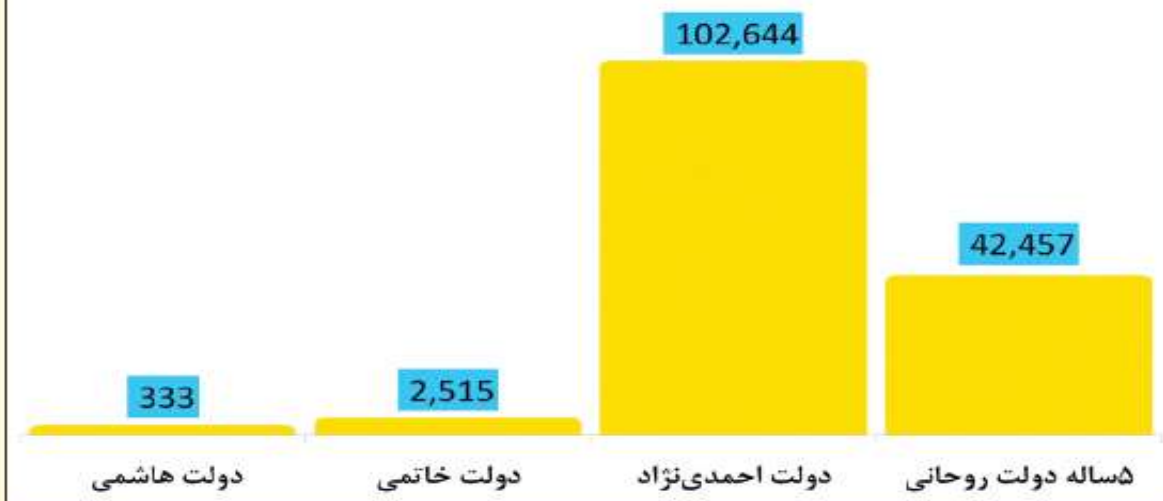
سال ۱۳۸۴ سالی است که خاتمی رفت و احمدی‌نژاد آمد تا کار مصادره قدرت و ثروت به نفع باند غالب و بدون پرداخت سهم جدی به باند مغلوب را خارج از هر عرف قانونی و حکومتی یکسره کند و تقریباً هم اینکار را کرد! در نمودارهای بعدی این پژوهش، بیلان احمدی‌نژاد را می‌توان دید که در این ماجرا چه کارها که نکرده است!؟

خصوصی سازی از زبان رئیس پروژه خصوصی سازی!

اشرف پوری حسینی معاون وقت وزیر اقتصاد رژیم در اسفند ۹۶ در افشای یک مورد از این کلان دزدی‌ها گفت: دو شرکت تولید آلومینیوم «المهدی» و «طرح ترمزال» که نزدیک به ۲۵۰ هزارتن در سال تولید آلومینیوم دارند و در نوع خود از بزرگ‌ترین صنایع کشور محسوب می‌شوند، به قیمت ۲ هزار میلیارد تومان به یک نفر فروخته می‌شود. قرار می‌شود خریدار مبلغ ۹۰۰ میلیارد از این مبلغ را در قالب وام و فاینانس پرداخت کند و بقیه را هم با سود اقساط! (نقل به مضمون).

یعنی خریدار اول یک وام ۹۰۰ میلیارد تومانی از دولت می‌گیرد، بعد همان‌را به دولت پرداخت می‌کند تا دولت قباله آن دو کارخانه را به اسمش کند و بعد هم وی متعهد می‌گردد ماهانه از سود کارخانه‌ها به صورت قسطی بقیه بدهی‌اش را به دولت بدهد! آنهم در شرایطی که یکی از این کارخانه‌ها یک قلم یک انبار دارد که ۷۵ میلیارد تومان جنس دارد و اصلاً در قیمت گذاری محاسبه نشده است! جل‌الخالق!!! راستی این خریدار آس و پاس که بدون پرداخت حتی «یک ریال» دو کارخانه بزرگ آلومینیوم کشور را در جیب خود می‌گذارد کیست!؟ (خبرگزاری حکومتی فارس ۱۱ اسفند ۹۶).

میزان خصوصی سازی شرکت های دولتی در چهار دولت (میلیارد تومان)



۹۰۰ بنگاه دولتی تا امروز به بخش خصوصی واگذار شده است

۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۸ - ۹:۴۵ | اخبار اقتصادی | اخبار اقتصاد ایران | اخبار بازار سهام | بورس

-Tl +



رئیس کل سازمان خصوصی سازی با بیان این که بخش خصوصی در ایران خیلی کوچک است گفت: از مجموع ۲۰۰۰ بنگاه و شرکت قابل واگذاری تا به امروز حدود ۹۰۰ بنگاه که دولت در آنها سهام داشته به بخش خصوصی واگذار شده اند.

آنچه که مسعود رجوی در همان سال ۵۷ گفت

مسعود رجوی از همان سال ۶۰ روی اصل مساله دست گذاشت و راه حل بحرانی که هنوز چهره ننموده بود را نشان داده و گفته بود بحران اقتصادی در ایران و کلا در جهان، یک راه کار صرفا اقتصادی ندارد، بلکه یک راه کار سیاسی - اجتماعی دارد؛

مسعود به کرات و به بیان های مختلف تاکید کرده بود که حاکمیت مردم را به آنها بازگردانید، آنها خود بهتر از هرکس دیگری می توانند و می دانند چگونه اقتصاد سرزمین شان را سامان دهی کنند.

مسعود رجوی:

«ارتباط اجتناب ناپذیر میان رشد اصیل اقتصادی - اجتماعی، با درجات رهایی ملی و گسترش آزادی های مردمی، پیوسته از مهم ترین مسائل مربوط به «متدلوژی توسعه» بوده ... است»
 (فرازی از پیام مسعود رجوی به دومین کنگره اقتصاد دانان جهان سوم اردیبهشت ۶۰ در هاوانا).

اما حرف اصلی و مهم‌تر را مسعود رجوی حتی پیش از آن یعنی در اسفند ۱۳۵۷ و در روزهایی که تازه از زندان آزاد شده بود در یک سخنرانی بسیار معروف در باره ضرورت حاکمیت سیاسی مردم ایران در تهران بیان کرد که در آن بر «حق حاکمیت مردم» پای فشرده و رو در روی خمینی که آن روزها در ماه دیده می‌شد! گفت:

مسعود رجوی ۶ اسفند ۵۷:

«انقلاب ما ناقص و نا تمام و رو به افول خواهد بود مگر اینکه : انتصاب کادرهای رهبری جنبش، شورایی بشه تا عموم اقشار و طبقات مردم بتونن در حیات سیاسی و اقتصادی خودشون سهیم بشن»

مسعود رجوی از همان ابتدا با درک روشنی که از ماهیت وحشی خمینی و همکارانش داشت بر روی ضرورت اصل حاکمیت مردم در برابر حاکمیت ولی فقیه دست گذاشت و بهای آن را هم تمام و کمال پرداخت.

پایان

کیهان
تک شماره - ۱۵ ريال

پخشیه ۶ اسفند ۱۳۵۷ ریح الاول ۱۳۹۹ - شماره ۱۰۶۴۶

انقلابیون بیشتر
به رهبرشان نزدیک نیستند

هشدار مجاهدین خلق درباره نقایص انقلاب

مسمود رجوی از رهبران
سازمان مجاهدین خلق ایران :

آقای بازرگان، اگر
مساله ارتش حل نشود،
شما مسئول کشتارهای
آینده خواهید بود

از کیهان، اطلاعات و آیندگان
بناظر افشاکری نقشه های
امپریالیسم تشکر میکنم

گارد ملی نباید
به شکارچی انقلابیون
تبدیل شود



« سازمان مجاهدین خلق ایران » در روز هوشیاری و جهانی انقلابی خود را در حیره سایل و رخدادهای شرایب کنونی در اجتماع
دانشگاه تهران اعلام کرد. هزاران نفر از هواداران مجاهدین در این مراسم شرکت داشتند.

شماره ۴ - خرداد ۱۳۹۹

نظر سازمان مجاهدین درباره مهم‌ترین مسائل روز

انقلاب ما فلسفی و نظامی روز به دلیل خودمدی بود مگر آنکه
۱- نظام ارتش مزدور و پسر پادشاه اساساً و به‌طور منحل و به‌طور
انقلابی تجدید سازمان شود.

۲- هیچ‌گونه کوشش نظامی و سیاسی برای انقلابیون اصیل و جهان
برگشت که از قدیم می‌کنند به وجود نیاید.

۳- به مشکل جزای صیقل‌دهنده فلسفی و فلسفی‌نگاران و
شرکای رژیم پهلوی با قاطعیت کامل در یک دادگاه صحنی مردمی، یعنی
دادگاه خلق که قضات آن را نمایندگان اقشار مختلف مردم تشکیل داده
باشند به عمل آید. به این ترتیب کارگران، دهقانان، پشمخواران، املاک
فرهنگیان، برادران دلیر ارتش، دانشجویان و همه گروهها و اقشار و
طبقات خلق در هر موردی شامد و فلسفی مساجلات خواهند بود. و
مساجله آنها باید در یک دادگاه مردمی صورت گیرد.

۴- انتصابات تا سر حد امکان و به خصوص در سطح کادرهای رهبری
کننده با نظر شوراهای مردمی صورت گیرد. به این ترتیب صوم طبقات و
لایه‌های خلق چه در ارتش و چه در دانشگاهها و چه در کارخانه‌ها و
ادارات در حیات سیاسی و اقتصادی مردم سهیم می‌گردند.

و با چین و حل در احیا و بازسازی و مخالفت از آن کوشش نمی‌کنند.
رجوعی در این مورد دو آیه از قرآن را قرائت کرد و گفت:
حالا در مورد هر کدام از این مسائل مردم و به خصوص اولی یعنی
ارتش مختصراً توضیح میدهم.

ارتش باید تجدید سازمان شود

این مهم‌ترین مسئله کنونی ملت است. انحلال و تجدید سازمان انقلابی
ارتش باید همه خیانتکاران در مطبوعات روز پنجشنبه که چه نقشه‌هایی
امروزه‌نویسان و مخالفان برای ما کشیده‌اند و هر همین جا لازم میدانم از
روزنامه‌های کهنان و آینده‌نگار و اطلاعات برای این روشنگری تشکر کنم.
نقشه‌هایی برای حذف همین ارتش و تجدید سازمانش. همین ارتش پس
مانده شایسته مهارت دیگر حفظ ارتش شاه ولی بدون شاه. مسئله این نیست
که ما با فرد خصومی در ارتش دشمنی داشته باشیم، مسئله ایس و نظام
و سیستم ارتش است.

فردها را این سیستم خراب میکند و با خودش می‌برد. همینکه این نظام
ترک برداشته جدیدی که برادران قهرمان ارتش ما چه کردند، فرود بر

اما در مورد مسئله دوم در جرایم ۵۰ روزه پنجشنبه که مخصوصاً برای
ایجاد انواع تشییقات برای نیروهای اصیل انقلابی جان بر کف که از قدیم
هم می‌کنند و امروز ولرد صحنه نشاندند و برای میوه چینی انقلاب
هم نمایندند چه بسا فراهم بود.

منظورم انقلابیون پیشتر است. به قول قرآن «السابقون السابقون»
ولیکن آن آنها «اولئک المقربون» نیستند، بلکه مجنون هستند.

بنابراین ما هنوز باید یک کار مردمی هستیم اما مبادا تجاری
که در یکی از کشورهای عربی همسایگان داریم، تکرار شود مسئله ایجاد
کار ملی و حرس قومی و بعد شکار انقلابیون. البته بی‌تردید روشن
است آنهایی که در سیاحتین سالهای اختلال می‌کنند. هیچ وقت از
آرامشان دست نخواهند کشید. و همچنان به عهدی که با خدا و خلق خدا
بستند وفادارند چرا که اصولاً معتقدند حیات بشری عقیده و جهاد و لا غیر
اجتماعی در همان

گذارد خاطرهای را برایتان نقل کنم سال ۱۹۷۰، سال ۱۳۴۹ بود.
در سپتامبر سیاه من در عمان بودم وقتی روسا و فرماندهان حرب طرح
امروزی را جز را امضا کردند در عمان اجتماع بود که برادران
امروزه را برادران را امضا کردند. فقط یک کلام گفت. منطقی آورد از
جنگهای استبداد و ارتجاع آن روز ایران در زمان حمله به آن و آنجا
گفت: وقتی که همه مسئولین رسمی آن تصمیم را پذیرا شدند و پس
فرار داد امضا گذاشتند در باز شد و فرمانده چریکها ظاهر شد و فریاد زد:
شما هر کاری می‌توانید بکنید الا یک کار می‌توانید ارتش را تسلیم کنید،
خودتان تسلیم شوید، فراردها را امضا کنید استبداد یا استعمار آن روز
را پذیرا شوید جز یک کار و آن اینکه هرگز نمی‌توانید مانع کسانی شوید
که امضا کنند. چنانچه را برای آرامشان فدا کنند آیا جلوی این را هم قدرتی
هست که بگیرد؟ کدام قدرتی قدرتی هست که مانع جهاد یک مساجله
شود؟ (از بین جمعیت کسی گفت هرگز) با شما موافقم هرگز!

نکته سوم راجع به مساجلاتها و دادگاه خلق است فلسفه مساجلات
چیست؟ قرآن مشخص کرده است:
- یادمانه حیات شما منوط به اینست که کفار بدهند و فلسفی کنید
و الا وضع سابق باز خواهد گشت.

(آیه قرآن)

سرمهنگ مطبوعه‌ها در صحبت‌هایش که خواندم گفته بود اصحابی
که چشم تمام ایران را روشنایی بخشد روحیه ارتش را ضعیف کرده. بنه
بله کاملاً درست است اصلاً هدف همین است که روحیه آنها که شد خلق
هستند ضعیف شود و روشنشان کنده شود. بگذارد که روحیه سرکار علی

صفحه ۴
یکشنبه ۶ اسفند ۱۳۵۷
۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۹۹ - شماره ۱۰۶۴۶



مسعود رجوی بعدها و به کرات تکرار کرد که هیچ‌یک از ترفندهای ضد مردمی دیکتاتوری حاکم چه در اقتصاد و چه در سیاست، پاسخگوی صورت مساله انقلاب ایران نیست. چرا که پاسخ در حاکمیت جمهور مردم و شوراهای مردمی است که خود ذیصلاح‌تر از هر کس دیگری برای تعیین چگونگی تقسیم قدرت و ثروت در میان تمامی اجزای مردم ایران با تمامی تنوعاتش هستند.

- مسعود رجوی در ۲۲ بهمن سال ۷۷ گفت: «... آخوندهای حاکم قادر نیستند با حفظ ساختارهای سیاسی خود یعنی رژیم ولایت فقیه، اقتصاد تحت حاکمیتشان را چنان که می‌خواهند به سرمایه‌داری

جهانی متصل کنند. نه «تمدن بزرگ» شاه و نه «تمدن عظیم» رفسنجانی و نه «گفتگوی تمدنها»ی خاتمی به جایی راه نبرده و نخواهند برد»

- مسعود رجوی افزود: «نه شاه و نه خمینی، نه رفسنجانی و نه خاتمی و خامنه‌ای، هیچ یک نتوانستند و نخواهند توانست در الگوها و استراتژیهای ارتجاعی و وابسته‌گرایانه، ایران را از مدار عقب‌ماندگی بیرون بکشند. آنان خود نخستین مسئولان فاجعه هستند. در رژیم آخوندها هر فرد و جریان و سیاستی که بخواهد آن را حفظ کند، هیچ راه‌حلی برای انبوه مصائب ملت ایران متصور نیست. تا این آخوندها بر سر کار هستند، کمترین قدمی برای کاستن از ابعاد چپاول و ویرانگری برداشته نخواهد شد.»

پایان